

نگاهی به کتب دیگر

وَفِعْلُ أَمْرٍ وَ مُضِيٍّ نُونًا
مِنْ نُونِ تَوْكِيدٍ مُبَاشِرٍ، وَ مِنْ

منبع: ابن مالک، الفیه

وَأَعْرَبُوا مُضَارِعًا نُونًا
نُونِ إِنْثِثِ كَ «يُرْعَنَ مَنْ فُتِنَ»

پرسش و تمرین

۱. جملات زیر را به عربی ترجمه کنید.
شما درس نخوانده اید، حسن خوابیده بود، علی می جنگید، بچه ها بازی می کردند، مادرم مرا دوست می داشت، هر روز به مدرسه می رفتم، او نمرده بود. هوکان مات.
۲. جملات مثبت تمرین قبل را منفی و جملات منفی را مثبت کنید. هوکان قدامت.
۳. جملات زیر را به فارسی ترجمه کنید.

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»، «كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ»، «كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»، «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكَورًا»، «عَصَى ابْلِيسُ رَبَّهُ وَ لَمَّا تَيَدَّبَمْ»، «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ». خدا گنده است.

پژوهش

«لم» و «لما» چه فرق های باهم دارند؟ این «صرف بر منل مضارع داخل شده و اگر از لفظ اعتراف می آید»
منابع پژوهش: بدیع یعقوب، موسوعة النحو والصرف والاعراب، ص ۵۸۲. به ماضی منفی قبول می کند. با این طباطبائی، صرف ساده، ص ۱۵۵. تفاوت که لم مضارع مضارع را به ماضی مطلق نفس بدون هیچ قیدی همچون ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۶۷. افعال سه زبان عدل را در باب تبدیل که ما تدم لم در باب

۱. در ضرورت شعری، و به جهت رعایت وزن و آهنگ شعر، گاهی حروف و یا حرکاتی به کلمات اضافه و یا کاسته می شود. مانند: «الف» در عربی و سکون در فتن.

□ لغت نامه (حفظ) ایمان

این فعل لازم است در مصدر است

صَدَقَ يَصْدُقُ صِدْقًا وَ صِدْقًا: راست گفت. اگر بعد از مصدر اسم یا ضمیر نبود فعل لازم است.

صَلَا يَصَلُّو صَلَاةً: به وسط کمر فلانی زد. اگر بعد از مصدر لامه متعدی باشد حرف خبر بیاید

صَلَّى يُصَلِّي صَلَاةً: نماز خواند و دعا کرد. درست است که متعدی باشد حرف خبر است ولی

در اصل لازم است

۱- لَمَّا تَنَزَّاهُ | حسن کان نام | حسن کان یجاری

لَمَّا تَنَزَّاهُ | کان نام حسن | کان یجاری

امی کانت تجبیتی | کنت اذهب من یوم الهمدیه | لکان موت / ما کانت ماتت

کنت تلعبین | الطلین کانتوا یلعبون

کانت تلعبین | اللیلان کانت تلعبین

(۲) قدر سه اسم در مس خوانده اید حسن مکان نفوس خوانده نبود اعلیٰ مکان کرب علی من تجتهد

کان موت امر مرده بود | الطلین ما کانتوا یلعبون: اللیلان کانتوا یلعبون

ما کانت اذهب من یوم الهمدیه

کنت لا اذهب من یوم الهمدیه

(۳) آیات و اسرار صدر عهد نبردم - طهر عملی که در کتب است - آنها بر خوردن ظلم می کردند -

نبود چیزی که ذکر شده - پیمان شده است - خدا سزود است

تاریخی کرد این از برورد کایش و کانت

لَمَّا تَنَزَّاهُ | حسن کان نام | الطلین کانتوا یلعبون

لَمَّا تَنَزَّاهُ | علی کان یجاری | اللیلان کانت تلعبین

امی کانت تجبیتی | امی ما کانت ماتت

▣ نگاهی به کتب دیگر

فَالْأَلْفُ أَنْوْفِيهِ غَيْرَ الْجَزْمِ وَأَبْدٍ نَصَبٍ مَا كَ «يَدْعُو يَزْمِي»
وَالرَّفْعُ فِيهِمَا أَنْوْ، وَأَحْدِفُ جَازِماً ثَلَاثُهُنَّ، تَقْضِي حُكْماً لَازِماً

و حَاصِلُ مَا ذَكَرَهُ: أَنَّ الرَّفْعَ يُقَدَّرُ فِي الْأَلْفِ وَالْوَاوِ وَالْيَاءِ وَأَنَّ الْجَزْمَ يَظْهَرُ فِي الثَّلَاثَةِ بِحَدْفِهَا وَأَنَّ النَّصْبَ يَظْهَرُ فِي الْيَاءِ وَالْوَاوِ، وَيُقَدَّرُ فِي الْأَلْفِ.

منبع: شرح ابن عقيل بر الفیه ابن مالک، ج ۱، ص ۸۵.

▣ پرسش و تمرین

۱. در کدام یک از حالت های مختلف فعل مضارع (چهار حالت مذکور در متن)، علاوه بر معنا، لفظ فعل مضارع نیز تغییر می کند؟ مضارع استعملی مضارع منصوب به ادوات نصب اجتناباً از تکرار مضارع در جمله
 ۲. + فرق های «لا» ی نافی و «لا» ی ناهی را بیان کنید؟ لا نافی مختاراً مخصوصاً در کلام
 ۳. علت مجزوم و منصوب شدن فعل های مضارع را در جملات شریفه ذیل بیان کنید
- ۱- جزم: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». ۱. مضارع مجزوم - حذوف
 ۲- حذوف: «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ». ۲. کواحل حزم = حذوف نون
 ۳- حذوف: «لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ». ۳. حذوف نون
 ۴- «قَالَ لَنْ تَرَانِي». ۴. ادوات نصب: منصوب به ضمیر متکلم
 ادوات نصب: حذوف نون
- حذف نون به مسیح خانه امیر
 خانه های صدقاتان و غیره
 صورتی

۱. محمّد: ۷.
۲. نوز: ۲۷.
۳. حجرات: ۱۴.
۴. اعراف: ۱۴۳.

الامام علی علیه السلام: «لَا تُضْمَنُ مَا لَا تُلْقِي زَعْلَى الْوَفَاءِ بِهِ»^۱
جدول زیر را تکمیل کنید.

۱. «لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَى»^۱.
۲. «فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا»^۲.
۳. «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ»^۳.
۴. «لَا تَتَّبِعُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْتَشْبُوا اللَّهَ»^۴.

۱) ظاهر جمله خبری است.
 ۲) معنی خبری است.

۱) فعل ماضی
 ۲) لای معلوم
 ۳) معنی خبری است

مضارع مجزوم			مضارع منصوب		صيغه
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۱
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۲
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۳
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۴
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۵
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۶
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۷
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۸
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۹
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۱۰
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۱۱
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۱۲
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۱۳
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	۱۴
لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لا يَسْبُ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	لَمْ يَأْتِيَنَّ	ترجمه

ادبی نادر

تَرْفَعُونَ

لَمْ يَأْتِيَنَّ ← لَمْ يَأْتِيَنَّ

پژوهش □ تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ ← تَرْفَعُونَ

* اثر معنوی هر یک از نواصب و جوازم را در فعل مضارع بررسی کنید. یَأْتِيَنَّ ← يَأْتِيَنَّ

تَرْفَعُونَ

بمانی + سفارش + مصدر + افعل (خاص) لازم
+ " " " " + اسم متکثر (م) : اینها فان عالم است و معنی همین است که در آن

دو زین پوست و هشتم؛ حالات فعل (۲) من در حال متفردی است.

۱۷۳

بمانی + سفارش + مصدر + متفردی به سبب : که لازم است.

لغت نامه

^{بم} سَبَبٌ يَسْبُبُ سَبَابَةً به او دشنام داد. متفردی به نفس (م)
سَبَبٌ يَسْبُبُ سَبَابَةً الحَبْلُ؛ طناب را برید. متفردی به نفس (م)
ضَمِنَ يَضْمَنُ ضَمَانًا وَ ضَمَانًا؛ محتوی آن شد، آن را در خود جای داد. متفردی به نفس.
ضَمِنَ يَضْمَنُ ضَمَانًا وَ ضَمَانًا الشَّيْءُ و ^{بم}؛ ضامن آن چیز شد. متفردی به نفس - متفردی به چیز
قَرَّ يَقْرُّ وَ يَقِرُّ قَرَارًا فِي الْمَكَانِ؛ در آن مکان ماند (متفردی به حرف حیاسین لازم است).
قَرَّ يَقْرُّ وَ يَقِرُّ قَرًّا الْيَوْمَ؛ آن روز سرد شد. لازم.

نَقَرٌ - يَنْقُرُ مِثْلَ نَقَرَ
نَقْرٌ - يَنْقُرُ مِثْلَ نَقَرُوا
نَقْرَانُ

□ نگاهی به کتب دیگر

حذف
الغایة من الحاق نون التوكید بالفعل ^{ابراز} اِظْهَارُ عِزْمِ الْمُتَكَلِّمِ ^{اگرند} عَلَى إِتْيَانِهِ بِلا تَرَدُّدٍ ^{انجام دادن - آوردن} بِرَنِّ شَدِّ
إِنَّ نون التوكید لا تلحق الماضي ^{اسرا} مُطْلَقاً، و ^{حزب} يَجُوزُ دُخُولُهَا عَلَى الأَمْرِ بِدون شرط، و تدخل
على المضارع بشرط أن يَتَقَدَّمَ ما يُعَيِّنُهُ للاستقبال.

منبع: رشید الشرتونی، مبادئ العربیة، تنقیح حمید محمدی، ج ۴، ص ۸۹ (قسم الصرف).

□ پرسش و تمرین

۱. فرق های نون ثقیله و خفیفه را بیان کنید؟
۲. فعل های مؤکد را در جملات شریفه ذیل مشخص کرده، صیغه و حالت اصلی آن ها را بنویسید؟

«لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا». ^۱ تَحْسَبُ (۷)
«إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَلْفٌ». ^۲ بِلُغُ
الامام عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ» ^۳ لَا تَحْمَلُ

۳. جدول زیر را کامل کنید؟

۱. «لَسْتُ سَأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» ^۴
۲. «لَا تَصْحَبَنَّ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» ^۵

۱. آل عمران: ۱۶۹.

۲. اسراء: ۲۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۱۱.

۴. تکاثر: ۸.

۵. غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۰۰.

تمرین دوره‌ای (۵):

مباحث: حالات فعل

تشریحی:

۱. بر فعل‌های زیر مطابق جدول، حرف «لَن»، «لَمْ» و «نُون تَأْكِيد ثَقِيلَه» داخل کنید.

فعل	لَن	لَمْ	ن
يَهْدُونَ (۳)	لَن يَهْدُوا	لَمْ يَهْدُوا	ن يَهْدُونَ (+)
يُهْدُونَ	لَن يَهْدُوا	لَمْ يَهْدُوا	ن يَهْدُونَ

ن يَهْدُونَ

۲. فعل‌های زیر را با «نُون تَأْكِيد ثَقِيلَه و خَفِيفَه» بیاورید.

فعل	ن	ن
ف	فِي	فِي
اِيت	اِيتِي	اِيتِي
بِغ	بِغِي	بِغِي
اِفْرَزَن	اِمْرَان	—

۳. به فارسی ترجمه کنید. *خبرداران* *گروه‌ها*

+ الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هَلْ تَدْفَعُ عَنْكُمْ الْأَقَارِبُ أَوْ تَنْفَعُكُمُ التَّوَابِعُ».

«سَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ».

+ «أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ». آیا ندانستند خداوند زیاد یا کم کند رزق را برای

هر کسی که بخواهد و مقرر است. / که خواهد دانست که برای چه کسی مقرر است.

نستی:

۱. کدام یک از گزینه های ذیل، تماماً جزء حروف غیر عاملند؟

- الف) ل، سَوْف، لَمْ
- ب) ا، كَأ، اِنْ
- ج) هَل، مَا، لِ (امر)
- د) ل، س، هَل

۲. فعل های «يُرَضِّن» ، «يَقُول» به همراه «لَمْ» می شود.

- الف) لَمْ يَرْضِي - لَمْ يَقُل
- ب) لَمْ يَرْضَيْن - لَمْ يَقُول
- ج) لَمْ يَرْضَيْن - لَمْ يَقُل
- د) لَمْ يَرْضِي - لَمْ يَقُول

۳. فعل های «يَأْتِي» ، «يُؤْتِي» به همراه «أَنْ» می شود.

- الف) أَنْ يَأْتِي، أَنْ يُؤْتِي
- ب) أَنْ يَأْتِي، أَنْ يُؤْتِي
- ج) أَنْ يَأْتِي، أَنْ يُؤْتِي
- د) أَنْ يَأْتِي، أَنْ يُؤْتِي

لکه در علم صرف ملاحظه شود

صنف ۱: يَأْتِي ← ان يَأْتِي
 صنف ۲: لَمْ يَأْتِي (عطف حرفه)

* در صنف صنف حرفه حذف نمی شود.

نگاهی به کتب دیگر

مصدر الثلاثی المزید فیہ قیاسی فنحو: «أثم» علی «إثم» و التزموا الخلف و
التعویض فی نحو: إجازه. و اصل «إجازه»: إجوازا، قلبوا الواو الفاء - كما فی اجاز - و
حذفوها لا لتقاء الساکنین و عوضوا عنها التاء فوزنها «افاله»
منبع: حسن بن محمد النیسابوری، شرح النظام، ص ۷۳ (با تصرف). تا آخر

پرسش و تمرین

- ۱. چرا همزه امر حاضر در باب افعال، مفتوح است؟ امر مع اولی و حیرت است.
- ۲. مواد زیر را به باب افعال برده، ماضی، مضارع و امر معلوم آن را صرف کنید.
«أ.ت.ی»، «ع.و.ن» أَسَى - أَسَى
- ۳. مواد زیر را به باب افعال برده، جدول را کامل کنید.

کَلِّبِ أَجَبُ
تَمَرَّيْنِ
أَوْصِيَ

ماده	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر معلوم
ج و ب	أَجَبُوا	أَجَبُوا	يُجِيبُونَ	يُجِيبُونَ	أَجِبْ
رأى	رَأَى	رَأَى	رَأَى	رَأَى	رَأَى
س و ع	أَسَى	أَسَى	أَسَى	أَسَى	أَسَى
م د د	أَوْصَى	أَوْصَى	يُؤْصِي	يُؤْصِي	أَوْصِ
وصی	أَوْصَى	أَوْصَى	يُؤْصِي	يُؤْصِي	أَوْصِ

أَسَى
أَجَبُوا
أَجَبُوا
أَسَى
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي
يُؤْصِي

نگاهی به کتب دیگر
 واجد بیت لدا و لصیرورتیه ذا کدا و لوجوده علی صفة و للسلب و
 و أفعل للتعدیة غالباً و للتعریض و لصیرورتیه ذا کدا و لوجوده علی صفة و للسلب و
 یعنی فعل و الاغلب من هذه المعانی المذكورة النقل كما ذكرنا و قد یجی أفعل لغير
 هذه المعانی و لیس له ضابطة كضوابط المعانی المذكورة.
 منبع: محقق رضی، شرح شافیه ابن حاجب، ج ۱، ص ۸۳ و ۹۲ (باتصرف).

پرسش و تمرین

۱. بهترین راه برای پیدا کردن معانی ابواب مزید چیست؟
۲. در افعال زیر، کدام یک از معانی باب افعال مراد است؟
 - فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ ^۲ (عزل نابل در مان)
 - فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ ^۳ (معنول را مقرر باشد)
 - أَخْوَصَ النَّخْلُ (درخت خرما خوشه دار شد). ولعبت
 - أَزْجَبْتُ أَبِي (پدرم را دارای مرکب کردم). ولعبت
 - أَسْحَيْتُ زَيْدًا (زید را سخی یافتم). معنول را مقرر باشد
 - أَنْزَلَ اللَّهُ الْمَاءَ (خداوند آب را فرو فرستاد). لعبت
 - أَفْرَعْتُ زَيْدًا (بیم زید را برطرف کردم). سلب

یا ما از زبان
 یا ما از زبان

۱. مراد از نقل، «تعدیه» است.

۲. روم: ۱۸.

۳. یوسف: ۳۱.

﴿﴾ پرسش و تمرین

۱. مصدر افعال زیر در چه وزن یا اوزانی استعمال شده است؟

تَفَعَّلَ، قَدَّمَ، حَبَّيْ، زَكَمَ، كَلَّمَ، مَثَّلَ

۲. مواد زیر را به باب تفعیل برده، ماضی معلوم و مجهول، مضارع و امر معلوم آن را صرف کنید. «س.م.و»، «ه.ی.أ»

۳. در جملات شریفه ذیل، فعل های باب تفعیل را مشخص کرده، نوع، صیغه و وزن هریک را بنویسید.

﴿مَجَّئْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾. افننا - امر معلوم ✓

﴿رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾. ۲

﴿وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا﴾. ۳

۴. در افعال زیر، کدامیک از معانی باب تفعیل مراد است.

- ﴿مَنْ نَعَمَّرَهُ نُكَيْسُهُ فِي الْخَلْقِ﴾. ۴

- ﴿يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ﴾. ۵

- عَرَّفَ (شناساند). تصدیق

- مَرَّضَهُ (از او پرستاری کرد). نسبت

- فَشَّرْتُ الْفَاكِهَةَ (پوست میوه را کندم). ثلاثی مجرد

۱. یونس: ۸۶.

۲. حجر: ۳۹.

۳. عنکبوت: ۸.

۴. یس: ۶۸.

۵. بقره: ۴۹.

تَفَعَّلَ
تَمَيَّلَ

نَجَّى

نَجَّى

- ﴿قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾^۱ - تَعَدَّ

- ﴿إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ﴾^۲ - سَارَكَتْ

- شَاهَدْتُ الْحَرْبَ (در جنگ حاضر شدم). - جَبَر

- بَارَكَ اللَّهُ (خدا زیاد کند). - نَكَّرَ - مَكَّنْ - كَرَّرَ

□ پژوهش

کدام یک از فعل‌های زیر به باب مفاعله برده شدند؟ وزن مصدر و معنای آن‌ها چیست؟

جَمَرَ، طَبَخَ، جَمَعَ، طَفِقَ، طَاخَ، عَاقَ، أَثَرَ، أَذَرَ
منبع پژوهش: معاجم لغوی.

□ لغت‌نامه

نگاهی به کتب دیگر

تاء تفاعل تدغم فی الفاء اذا كانت احدى الحروف الاثني عشر فتجلب همزة الوصل ابتداءً نحو اذارکوا و هذا الادغام مطرد في الماضي و المضارع و الامر و المصدر و اسمی الفاعل و المفعول.

منبع: محقق رضی، شرح شافیه ابن حاجب، ج ۳، ص ۲۹۰ و ۲۹۱ (باتصرف).

تَنَادَلَ ← اِنْتَادَلَ

پرسش و تمرین

- چه وجه مشترکی بین «تاء» باب تفاعل با آن دوازده حرف مذکور در قاعده ۳ وجود داشت که حکم به جواز ادغام کرده ایم؟ تَنَادَلَ ← اِنْتَادَلَ
- مواد ذیل را به باب تفاعل برده، ماضی، مضارع و امر معلوم آن را صرف کنید (اگر شامل قانون جایزی ۳ می شود، آن را اجرا کنید): «ث ق ل»، «ول ی»
- مواد ذیل را به باب تفاعل برده، جدول را کامل کنید.

ماده	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع معلوم	مضارع مجهول	امر معلوم
س ل	۹	۱	۳		۷
ع ط ی	تفاعل	۴	۱۳	۴	۱۴
د ی ن	۱۲	۹	۷	۱۱	ادائی

۴. در افعال زیر، کدام یک از معانی باب تفاعل مراد است؟

«وَرَانَ تَعَاثَرْتُمْ فَيَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى» - صارت

تَعَاثَرْتُمْ

تَعَاثَرْتُمْ

تَعَاثَرْتُمْ

تَعَاثَرْتُمْ

تَعَاثَرْتُمْ

تَعَاثَرْتُمْ

تَعَاثَرْتُمْ

۱. طلاق: ۶.

تَعَاثَرْتُمْ
تَعَاثَرْتُمْ
تَعَاثَرْتُمْ

«مَنْ أَتَى غَنِيًّا فَتَوَاضَعَ لَهُ لِيَغْنَاهُ ذَهَبٌ ثُلَاثِينَ».^۱ اَلْطَّاهِرُ
- «لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابِزُوا بِالْأَلْقَابِ».^۲ اَلْمَسْرُوتُ
- تَبَاكِيُّ خَالِدٍ (خالد، خود را به گریه زد) اَلْطَّاهِرُ

پژوهش

چرا قاعده حذف یکی از دو «تاء» در مضارع معلوم منحصر شده و در مضارع مجهول اجرا نمی شود؟

منبع پژوهش: محقق رضی، شرح شافیه ابن حاجب، ج ۳، ص ۲۹۱.

لغت نامه

مجهول	ماضی، مضارع، امر	حالت اولیه	حروف اصلی	فعل
أَسْمَعُ	ماضی	تَسْمَعُ	س م ع	إِسْمَعُ
				يَطْوِفُونَ
				إِثْبَاتًا
				يَصْعَدُ
				تَقْضَى

۳. در افعال زیر کدام یک از معانی باب تفعل مراد است؟

- «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» طلب ←

- «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» آبرج ← تلاش کرد

- «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ» ۳ ← تلاش کرد

- «تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ» ۴ آخاز

- تَكَسَّرَ (شکست). تلاش کرد - مهلا

- تَسَلَّمَ (مسلمان شد). صبر کرد

- تَفَكَّهَ زَيْدٌ (زید از خوردن میوه، پرهیز کرد). کجیب

۱. حجرات: ۶.

۲. قدر: ۶.

۳. نهج البلاغه.

۴. همان.

پرسش و تمرین

۱. در باب افتعال، تبدیل حرفی به حرف دیگر به چه هدف و منظوری انجام می‌گیرد؟

۲. افعال مجرد ذیل را به باب افتعال برده، مطابق نمونه جدول را کامل کنید.

امر معلوم	مضارع معلوم	ماضی مجهول	ماضی معلوم باب افتعال		فعل ثلاثی مجرد
			پس از اجرای قواعد	قبل از اجرای قواعد	
ازدجَم	یَزِدُ جَمُونَ	أَزْدُ جَمِنَ	إَزْدَحَمَ	إَزْتَحَمَ	زَحَمَ
۷	۳	۶	۱	۱	
۱۲	۱۱	۹	۱	۱	أَلْفٌ
۱۰	۶	۱	۱	۱	دَرَاءٌ
۱۳	۱	۷	۱	۱	صَفَا
۸	۱۰	۱۳	۱	۱	وَهَمَ
هدی	هَدَى	هَدَوْا	۱	۱	هَدَى

۶ / ۸
ازدجَم

اهتدی ← اهدری ← اهدی ← اهدی

۱. در بعضی از کتب صرفی، خلط مبحثی بین رسم الخط مهموز در باب افتعال با اجرای قواعد تخفیف همزه این باب شده است. جهت تحقیق بیشتر رک: محقق رضی، شرح بر شافیة - ابن حاجب، ج ۳، ص ۵۳ و ۸۳ - حسن بن محمد النیسابوری شرح النظام، ص ۲۶۲ و جمعی از نویسندگان، المعجم الوسیط، مقدمه.

۴. کوشش؛ مانند:

اِكْتَسَبْتُ الْمَالَ (با کوشش، مال به دست آوردم).

۵. معنای ثلاثی مجرد؛ مانند:

خَارَ وَ اِخْتَارَ زَيْدُ الشَّيْءَ (زید، آن چیز را انتخاب کرد و برگزید).

نگاهی به کتب دیگر

یجیء بناء اِفْتَعَلَ للدلالة على المطاوعة و يطاوع الثلاثي نحو «عَمَّمْتُهُ فَاعْتَمَّ» و يأتي للدلالة على الاتخاذ نحو «اِسْتَوَى» أو للدلالة على التشارك نحو «اِجْتَوَزَا» أو للدلالة على التصرف باجتهاد و مبالغه نحو «اِكْتَسَبَ» أو لغير ذلك. منبع: شرح ابن عقيل، ج ۲، ص ۶۰۲.

پرسش و تمرین

۱. ماده ذیل را به باب افتعال برده، پس از اجرای قواعد باب، ماضی، مضارع و امر معلوم آن را صرف کنید: «رض و» اِرْتَعِدْ اِرْتَعِدْ اِرْتَعِدْ
۲. در افعال زیر، کدام یک از معانی باب افتعال مراد است؟
- «مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۱ صلر ره
- «اِضْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي»^۲ ا ا ا ا

۱. فرق «كَسَبَ» با «اِكْتَسَبَ» در این است که كَسَبَ به دست آوردن چیزی است چه با کوشش چه بی- کوشش، به خلاف اِكْتَسَبَ، لذا ترجمه و تفسیر آیه شریفه: «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اِكْتَسَبَتْ» بقره: ۲۸۶ چنین می شود که: ثواب اعمال نیک را برای نفس منظور می کنیم، حتی اگر به صورت انفاقی سرزده باشد؛ ولی از باب لطف، فقط عقاب اعمال بدی که برایش تلاش کرده را منظور می کنیم، نه آنچه به صورت انفاقی سرزده است.

۲. حشر: ۷.
۳. طه: ۴۱.

اِجْتَوَزَ الْقَوْمَ (آن قوم، همسایه یکدیگر شدند). مکتوب

اِخْتَطَبَ زَيْدٌ (زید، هیزم تهیه کرد). کوشش

اِغْتَدَزْتُ فَاطِمَةَ (از فاطمه عذرخواهی کردم). تلاشی مجرب

پژوهش

فرق «كَسَبَ» با «اِكْتَسَبَ» را در آیه شریفه: «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اِكْتَسَبَتْ» بیان کرده و تأثیر آنرا در ترجمه و تفسیر آیه فوق شرح دهید. منابع پژوهش: سید هاشم حسینی تهرانی، علوم العربیه، ج ۱، ص ۷۳. شهید مطهری، آشنایی با قرآن.

لغت نامه

اِجْتَمَعَ يَجْتَمِعُ اِجْتِمَاعًا الْقَوْمُ: آن قوم جمع شدند.

اِخْتَارَ يَخْتَارُ اِخْتِيَارًا: آن را برگزید و انتخاب کرد.

اِخْتَبَرَ يَخْتَبِرُ اِخْتِبَارًا اِخْتِبَارًا: نان درست کرد.

اِزْتَشَى يَزْتَشِي اِزْتِشَاءً: رشوه گرفت.

اِكْتَسَبَ يَكْتَسِبُ اِكْتِسَابًا مَالًا اَوْ عِلْمًا: به دنبال کسب مال یا علمی رفت و تحصیل کرد.

۱. بقره: ۲۸۶.

معنای باب انفعال

مطاوعه: تنها معنای ذکر شده برای این باب، مطاوعه است. مانند: حَمَّا بَارِدًا بَرْدًا

كَسْرَتْهُ فَأَنْكَسَرَا (آن را شکستم؛ پس شکست).

باب انفعال، غالباً برای مطاوعه ثلاثی مجرد می آید.

□ نگاهی به کتب دیگر

صیغه «انْفَعَلَ» تأتی لمعنی واحد هو المطاوعة و المطاوعة هی قبول الأثر. و لاتصاغ هذه الصیغة إلا من الأفعال التي يكون العمل فيها جِسْتِيًّا نحو: قَطَعْتُهُ فَأَنْقَطَعَ و لا تكون هذه الصیغه إلا فی الفعل اللازم.

منبع: دکتر محمد عبدالله، مباحث فی علم الصرف، ص ۴۱.

□ پرسش و تمرین انْقَمَّ خود را ببردند | انْفَعَلَ: مُنَعَدٌ
۱. کدام یک از افعال زیر، به باب انفعال می روند؟
انْقَطَعَ قطع کردید | انْفَلَقَ در بسته شد
انْقَسَمَ قسم خوردید | انْفَلَمَ غرق شد

۲. ماده ذیل را به باب انفعال برده، ماضی معلوم و مجهول آن را صرف کنید:
فَهَمَّ، عَرَفَ، قَطَعَ، غَمَّ، غَسَلَ، قَسَمَ، فَكَّرَ، عَدَمَ، يَقِنُ، غَلَقَ، سَمِعَ.
«ف ض ض»

۳. در جملات شریفه ذیل، فعل هایی که به باب انفعال رفته اند را مشخص کرده، نوع (ماضی، مضارع و امر) و صیغه هریک را بنویسید.

۱. در مطاوعه های غیراختیاری (مانند شکسته شدن چیزی) اگر فاعل، اثر فعل را قبول نکند، نباید اثر دهنده و اثرگیرنده از یک ماده باشند، زیرا موجب دروغ و کذب شدن کلام می گردد؛ مانند: كَسْرَتْهُ الكوزَ فَمَا انْكَسَرَ (شکستم کوزه را؛ پس نشکست!!!) که به جای آن باید تعابیری چون: «ضَرَبْتُ الكوزَ على الأرض فَمَا انْكَسَرَ» و یا «أَرَدْتُ أَنْ أَكْسِرَ الكوزَ فَمَا انْكَسَرَ» را به کار برد.

فِي مَنْ شَدَّ رَأْسَ فِدَارٍ

درس چهل و یکم: باب انفعال: !

الامام الصادق علیه السلام: «لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُغْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ

عَلَى تَغْيِيرِهِ»

انفرد

الامام علی علیه السلام: «انْفَرَدَ بِسِرِّكَ وَلَا تُودِعُهُ حَازِمًا فَيَزِلَّ وَلَا جَاهِلًا فَيُخُونُ»^۱

الامام علی علیه السلام: «انْقَادَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ بِأَزْمَتِهَا»^۲

انقادت

□ پژوهش

فتوح انقادت

شما با من خود و من را بدید
مگذار در اندیش بس بس بس چار
لغزش و سرانی هموی

باب انفعال، غیر از ثلاثی مجرد برای مطاوعه چه باب هایی می آید؟ مثال مدرسه نگار
بیابید.

- منابع پژوهش: سید هاشم حسینی تهرانی، علوم العربیه، ج ۱، ص ۶۶.
- محقق رضی، شرح شافیه ابن حاجب، ج ۱، ص ۱۰۸.
- حمید محمدی، صرف متوسطه، ص ۱۲۲.
- علی عرب خراسانی، درسنامه صرف، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.

□ لغت نامه

انگسَر ینگسِرُ انکساراً: شکسته شد.



۳. در جملات شریفه ذیل، افعال را مشخص کرده، باب، نوع و صیغه هر یک را

بنویسید: افعال
﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ﴾^۱
﴿وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۲
افعال - ص ۴۰۴ معنی معلوم

پژوهش

۵- فرق معنوی باب های افعال و افعیال در چیست؟ در سناس عبارتت عبارتت در افعال است
منابع پژوهش: تهرانی، علوم العربیه، ج ۱، ص ۹۲.
حمید محمدی، صرف متوسطه، ص ۱۲۷.
از افعال است.

لغت نامه

أَبْيَضَ يَبْيِضُ أَبْيَاضاً: سفید شد.
أَزْهَرَ يَزْهَرُ أَزْهَاراً النَّبَاتُ: گیاه، گل کرد.
أَسْوَدَ يَسْوَدُ إِسْوَاداً: سیاه شد.

□ نگاهى به كتب ديگر

يجبُ بناءً استَفْعَلَ للدلالة عَلَى الطَّلَبِ نحو: استغفرتُ اللهَ أو للدلالة على التحول من حالٍ إلى حالٍ أو لغير ذلك.

واعلم أن المعانى المذكورة للأبواب المتقدمة هى الغالبة فيها، وما يمكن ضبطه، وقد يجىء كل واحدٍ منها لمعانٍ آخر كثيرة لا تُضبطُ.

منبع: شرح ابن عقيل، ج ۲، ص ۶۰۲ و محقق رضى، شرح شافيه ابن حاجب، ج ۱، ص ۱۱۳ (با تصرف)

□ پرسش و تمرین

۱. افعال زیر را به باب استفعال برده، مصدر آن را بنویسید.
جاز، حال، خار، قاذ، ناخ، ناب

۲. ماده ذیل را به باب استفعال برده، ماضی معلوم و مجهول، مضارع و امر معلوم آن را صرف کنید: «غ ش ی».

۳. در افعال زیر، کدام یک از معانی باب استفعال مراد است؟

- نت پیرکنند
- ﴿وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا﴾. طلب حقیقی
 - ﴿وَأَنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي﴾. منقول را بر من استعاضی
 - ﴿فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْنَ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ﴾. طلب (عربی از)
 - ﴿فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا﴾. تلاش حبه
 - ﴿الْقَى فَاسْتَلْقَى﴾ (افکندش، پس به پشت افتاد). مطار که

اسئل اسئل

۱. نور: ۳۳.

۲. اعراف: ۱۵۰.

۳. نساء: ۱۵.

۴. یوسف: ۸۰.

تمرین دوره‌ای (۹):

جدول زیر را کامل کنید.

انفعال

استفعال

۱. ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾^۱ . ۴ ﴿لَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ﴾^۲ ما امر
۲. ﴿مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا﴾^۳ . ۵ و ۶. ﴿فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ﴾^۴ ما امر
۳. ﴿فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدَانِ أَنْ يُنْفِضَا فِيهَا فَاقَامَهُ﴾^۵ ل

باب استفعال			باب انفعال			شماره
امر معلوم	ماضی معلوم	ماضی مجهول	مضارع منصوب	مضارع مجزوم	ماضی معلوم	
لِيَسْتَقِمَّ	اسْتَقَامَ	اسْتَهْزَيْ	أَنْ يُنْفَضَّ	مَنْ يَنْقَلِبْ	انْفَضَّ	۱
لِيَسْتَقِيمَا	اسْتَقَامَا	اسْتَهْزَيْتَا	نُفَعِمْنَا	يَنْقَلِبَا	انْفَضَّا	۲
لِيَسْتَقِيمُوا	اسْتَقَامُوا	اسْتَهْزَيْتُوا		يَنْقَلِبُوا	انْفَضُّوا	۳
لِيَسْتَقِمَّ	اسْتَقَامَتْ	اسْتَهْزَيْتُ		تَنْقَلِبُ	انْفَضَّتْ	۴
لِيَسْتَقِيمَا	اسْتَقَامَتَا	اسْتَهْزَيْتُمَا		تَنْقَلِبَا	انْفَضَّتَا	۵

اسْتَهْزَيْتُمَا → اسْتَقَامَا

۱. آل عمران: ۱۵۹.

۲. رعد: ۳۲.

۳. آل عمران: ۱۴۴.

۴. توبه: ۷.

۵. كهف: ۷۷.

۶	انْفَضُّوا	تَنْفِضُوا	تَنْفِضُوا
۷	انْفَضَّتْ	تَنْفِطُ	تَنْفِطُ
۸		تَنْفِطًا	
۹		تَنْفِطُوا	
۱۰		تَنْفِطِي	تَنْفِطِي
۱۱		تَنْفِطًا	
۱۲		تَنْفِطِينَ	تَنْفِطِينَ
۱۳		انْفِطَتْ	انْفِطَتْ
۱۴		تَنْفِطُ	تَنْفِطُ
۱۵	انْفِطُوا ۳	انْفِطُوا ۱	انْفِطُوا ۱

بدرج

انْفِطُوا ۳
انْفِطُوا ۱
انْفِطُوا ۱

انْفِطُوا

۴. در جملات شریفه ذیل، فعل های رباعی را مشخص کرده، نوع، باب و ریشه هر یک را بنویسید.

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ ۱. رباعی مجرد - جمول - باب فعلة ریشه: زلزل

﴿هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾ ۲. ماضی جمول - باب فعلة

﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ ۳. باب افعلال صفاغ ریشه: اطمان

﴿تَقشَعْرِمْنَهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ﴾

صفاغ معلوم

رباعی مجرد - باب افعلال

پژوهش

طریقه جست و جو و یافتن افعال رباعی در معاجم لغوی، به چه صورت است؟

منبع پژوهش: لوئیس معلوف، المنجد، ترجمه محمّد بندرریگی، مقدمه، بخش «توجه».

معانی

محل در حوض

لغت نامه

إِشْمَعَلٌ يَشْمَعِلُ إِشْمِعْلَالًا الْقَوْمُ: آن قوم پراکنده شدند.

تَطْمِئِنُّ

فعل ← فُعِلَ

۱. زلزله: ۱.

۲. احزاب: ۱۱.

۳. رعد: ۲۸.

۴. زمر: ۲۳.

تمرین دوره‌ای (۱۰):

جدول زیر را کامل کنید.

۱. «فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمُ رُسُومَ بِذُنُوبِهِمْ»^۱.
۲. «فَكُبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالغَاوُونَ»^۳.

- رباعی تَضَلَّلَ
۳. «لَتَبْلُغَنَّ بِلْبَلَةٍ وَلَتَغْرُبَنَّ غَرْبَةً»^۲.
 ۴. «تَزْعَزَعَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ»^۴.

رباعی				شماره
ماضی معلوم	مضارع مؤکد	ماضی مجهول	ماضی معلوم	
	تَضَرَّبَتْ	كُتِبَ	دَمَدَمَ	۱
	تَزَعَزَعَا	كُبِّبَا	ذَمَدَمَا	۲
	تَزَعَزَعُوا	كُبِّبُوا		۳
	تَزَعَزَعَتْ	كُبِّبَتْ		۴
				۵
	تَزَعَزَعَتْ	كُبِّبَتْ		۶
				۷
				۸
	تَغْرُبَنَّ			۹
				۱۰
				۱۱
				۱۲
				۱۳
	تَضَلَّلَتْ	تَضَلَّلَتْ	تَضَلَّلَتْ	۱۴
			تَضَلَّلَتْ	۱۵

فَعَّلَ ← فَعَّلِلَ

۱. شمس: ۱۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

پرسش و تمرین باید در فصل سوم و چهارم ۳- تا با روزی یکبار از یاد باقی آورد و در روزی یکبار

۱. کلمه «منحوت» به چه معناست؟ ترا سید، رخه - (از جامد قبیله مری سر کریم ۲۰ - تمام حروفش

۲. از اسم های جامد ذیل، فعل منحوت بسازید. تَسَيَّفَ سَائِفٌ سَائِفَةٌ سَائِفَةٌ
سِرْوَالٌ، سَوَادٌ، سَيْفٌ، مَذْهَبٌ سِرْدَلَةٌ

رَوَّلَ
رَوَّلَ

۳. از جملات ذیل، فعل منحوت بسازید.

جَعَلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ كَيْفٌ جَعَلْتُ جَعَلْتُ جَعَلْتُ
حَسْبِيَ اللَّهُ كَيْفَ كَيْفٌ كَيْفٌ كَيْفٌ كَيْفٌ

۴. در جملات ذیل، افعال منحوت را مشخص کرده، اصل آن را بنویسید.
رسول الله ﷺ: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودًا نَحْرًا أَوْ نَصْرَانِيَّةً»
الامام علي عليه السلام: «مَنْ تَسَرَّبَلْ أَثْوَابَ التَّقَىٰ لَمْ يَنْبَلْ سِرْبَالَهُ».

سِرْبَالٌ سِرْبَالٌ

پژوهش

برای هر کدام از اقسام فعل منحوت، مثال های جدیدی بیاورید. خندش مصدر جامد خندش

نکته: سَمَّ كَلِمًا سَمَّ كَلِمًا سَمَّ كَلِمًا

با توجه به مقابله و مقایسه بهتر کلمات با یکدیگر، ناگزیر به ذکر ترجمه آن ها در متن درس شدیم.

۱. شیخ عباس القمی، سفینة البحار ج ۲، ص ۲۷۳.
۲. عبد الواح ج ۱، ضرر الحکم، ج ۲، ص ۷۰۵.

نکته به کتاب دیگر

الفعل المتصرف يقبل التحول من صورة الى صورة لإداء المعاني في أزمنتها المختلفة و

هو قسمان: ١- باطراد (مماثل) و ٢- باعجاب (مختلف) -

تمام التصرف؛ و هو ما يأتي منه الأفعال الثلاثة - أي الماضي و المضارع و الأمر - باطراد مثل: كَتَبَ و يَكْتُبُ و اُكْتُبُ و ناقص التصرف؛ و هو ما يأتي منه فعلاً فقط أي الماضي و المضارع مثل: كَادَ يَكَادُ.

منبع: مصطفی غلایینی، جامع الدروس العربية، ج ۱، ص ۶۲ (با تصرف).

پرسش و تمرین

۱. ملاک تقسیم بندی فعل، به متصرف و غیر متصرف چیست؟

۲. به عربی ترجمه کنید.

أَجَلَ بِرَجُلَيْنِ

- آن دو مرد چقدر زیبايندا

- آن زن ها چقدر زیبايندا

۳. در جملات شریفه ذیل، افعال متصرف و غیر متصرف را مشخص کنید.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ﴾^۱

﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۲

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾^۳

﴿مَا أَضْرَبُكُمْ عَلَى النَّارِ﴾^۴

ع تصرف - معجب

۱. آل عمران: ۶۴.

۲. بقره: ۱۱۱.

۳. ملک: ۱.

۴. بقره: ۱۷۵.

ماضی - وَانْعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ۱

وَحُرْمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا ۲
دُمْتُمْ : مَصْرُفًا
حُرْمًا : حُرْمًا
صَيْدُ الْبَرِّ : صَيْدُ الْبَرِّ
وَحُرْمَ عَلَيْكُمْ : حُرْمًا

پژوهش

صیغ عقود اسلامی، همچون: زَوَّجْتُ، أَنْكَحْتُ، قَبِلْتُ، اشْتَرَيْتُ، بَعْتُ و...
متصرفند یا غیرمتصرفند؟ صرف متصرفند - در ماضی دارند.
منابع پژوهش: طباطبایی، صرف ساده، ص ۱۷۷.

لغت نامه

علاوه بر این که ناگزیر شدیم ترجمه کلمات را در جدول بگنجانیم، غالب افعال به کار رفته در متن درس، دارای تصرف کاملی نیستند که بخواهیم در بخش لغت- نامه بیاوریم.

از نکات مهم و برجسته زبان عربی، تأثیر حروف جر بر معنای افعال است، که نمونه آن را در بخش «لغت نامه» برخی از دروس گذشته ملاحظه کردید.

□ نگاهی به کتب دیگر

اذا شئت البحث عن كلمة فإذا كانت مجردة فاطلبها في باب اول حرف منها وان كانت مزيدة أو فيها حرف مقلوب عن آخر فجردها أو ردها إلى الأصل ثم اطلبها في باب الحرف الأول من حروفها الأصلية.

لابد لطالب اللغة العربية من ان يكون متضلعا من قواعد الصرف واحكامه.

منبع: لوئیس معلوف، «المنجد»، ص (مقدمه).
تَمَلَّبٌ، وَارْتَوَى مِنْهُ، مصدر: تَمَلَّبًا
تَغَنَّى: شَرَّعْتُهُ، مصدر: تَغَنَّى (شَرَّعْتُهُ)
مصدر = رَضَعَ

□ پرسش و تمرین

۱. مضارع و مصدر افعال زیر را به همراه ترجمه هریک بنویسید.
وَأَرَانَهُ كَرْدَانَهُ، قَلْبٌ - غَنَى - رَضَعَ - زَهَّدَ حَمِيْدٌ بِرُشْدِهِ، تَزَهَّدَ، بِيَاكُ شَدَّ

(۲) افعال مجرد ذیل، به کدام یک از ابواب ثلاثی مزید رفته اند.

نَفَخَ - خَلَطَ - سَحَرَ - شَكَا

۳. تأثیر حروف جر بر معانی افعال ذیل را بررسی کنید.

مَالٌ - دَعَا - نَابٌ - شَغَلَ كُنْهٌ، مَمْلَبٌ، الزَّيَادَةُ، دَعَاكَ: دَرَمَقِ اَوْرَدَكَ كَرْدَ، دَعَا كَلْبَةً: لَوْرَانِ فَرَسِ كَرْدَ، اِسْتَفَلَ كَبْدًا: بِه تَلَانِ مَمْرِ مَسْتَوِلٍ سَدَّ

چهار لغت نامه عربی به عربی و چهار لغت نامه عربی به فارسی را به همراه نام مؤلفان آن ها بنویسید.

منبع پژوهش: بانک اطلاعات کتابخانه.

تمرین دوره‌ای (۱۱):

در ابتدای تدریس بخش اسم، جدول زیر را که یادآوری و مروری بر قواعد و مباحث مربوط به بخش فعل است، کامل کنید.

فعل - آدرس	ماضی، مضارع، امر	معلوم، مجهول	شماره صیغه	حروف اصلی	ثلاثی، رباعی	مجرد، مزید (باب آن)	وزن	سالم، غیر سالم (نوع آن)	لازم، متعدی
أَعِظُ سبأ: ۴۶	مضارع	معلوم	۱۳	وعظ	ثلاثی مجرد	ل	فَعِلٌ	غ س	متعدی
تَزِدُّهُ هود: ۳۱	~	~	۴	ازی	~ مزید			غ	~
لَأَمْنِيَهُمْ نساء: ۱۱۹	~	~	۱۲	منی	~ مجرد			ع	م
ذُقْ دخان: ۴۹	امر	~	۷	ذوق	~			ع	م
أَمْتَنَا غافر: ۱۱	ماضی	~	✓	وت	~ مزید				س
قَارُوا قمر: ۳۶	~	~	۳	اری	~			ع ناعس	س
أَزَيْنَتْ یونس: ۲۴	ماضی	~	۴	زین	~			ع اجرف	س
أَنِيبُوا زمر: ۵۴	امر	~	۹	نوب	مجرد			ع اجرف	س

درس چهارم و هفتم: معالجیم لغوی